

مناسبات اصناف و پیشه‌وران عصر سلجوقی با گروه‌های اجتماعی (فتوت،- تصوف، اسماعیلیه)

میترا روشنی^۱

چکیده

سلجوقیان یکی از خاندان‌های حکومت‌گر تاریخ ایران بودند که در قرون پنجم و ششم هجری قمری بر ایران حاکمیت داشتند. در سایه امنیت برآمده از سیاست‌های این خاندان، شهر و شهرنشینی و به تبع آن بازار به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرکز اقتصادی شهر رونق یافت. در این دوره فعالیت بازاریان و صنعتگران در قالب اصناف و تشکیلات پیشه‌وری انجام می‌گرفت. مطابق متون تاریخی، جغرافیایی و سفرنامه‌ای عصر سلجوقی، اصناف و پیشه‌وران عصر مزبور با گروه‌های اجتماعی فتوت، تصوف و اسماعیلیه در ارتباط بوده‌اند. پژوهش حاضر در صدد است تا با واکاوی و تحلیل اطلاعات مندرج در متون یاد شده، به مناسبات اصناف و پیشه‌وران این دوره با گروه‌های اجتماعی فتوت، تصوف و اسماعیلیه چهره مشخص‌تری ببخشد.

کلید واژه‌ها: سلجوقیان، اصناف، پیشه‌وران، فتوت، تصوف، اسماعیلیه.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اصلی شهرهای ایران به خصوص در دوره اسلامی، تشکیل گروه‌های مختلف شغلی تحت عنوان اصناف بوده که در هر زمان تابع تغییر و تحولات سیاسی-اجتماعی بوده است. اصناف و پیشه‌وران یکی از مهمترین اقشار اجتماعی این

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان. meet39375@gmail.com

دوره محسوب می‌شدند که نه تنها بر جریان‌های اقتصادی بلکه بر جریان‌های سیاسی و اجتماعی موثر بودند. اصناف و پیشه‌وران این دوره در کنار حرفه و پیشه خود با گروه‌های اجتماعی مانند فتوت، تصوف و اسماعیلیه در ارتباط بودند. در واقع ارتباط میان تشکیلات اصناف و پیشه‌وران از یک سو و رسوم و سنت‌های فتیان، صوفیان و اسماعیلیان از طرف دیگر سبب انسجام و نظم میان قشرهای اجتماعی این دوره می‌شد. در ارتباط با اصناف و پیشه‌وران عصر سلجوقی در برخی از منابع و مطالعات جدید مطالبی آمده است. اما از آنجا که پژوهشی مستقل پیرامون مناسبات آن‌ها با گروه‌های اجتماعی فتیان، صوفیان و اسماعیلیه شکل نگرفته است، پژوهشگر بر آن است تا با تعمق در منابع و مآخذ تاریخی به این مهم بپردازد.

اصناف و پیشه‌وران در عصر سلجوقی

سقوط سامانیان در اواخر سده‌ی چهارم هجری خلاء قدرتی در خراسان و ماوراءالنهر به وجود آورد که زمینه را برای نفوذ سلجوقیان در ایران و دست‌یابی به قدرت و حکومت آنان فراهم ساخت. سلجوقیان در قرن‌های پنجم و ششم هجری بر بخش‌های بزرگی از جهان اسلام از ماوراءالنهر و خراسان تا دریای مدیترانه، فرمانروایی داشتند و با گسترش قلمرو و ایجاد امنیت، سبب رونق اقتصادی و تجاری شدند. در این عهد قشرهای متعددی وجود داشت. اصناف و پیشه‌وران یکی از مهمترین قشرهای اجتماعی عهد سلجوقی محسوب می‌شدند. پرداختن به این موضوع باعث روشن شدن گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی و اقتصادی دوره مزبور می‌شود. به دلیل کم‌مایگی اطلاعات تاریخی عصر مربوطه هرگونه پژوهش در زمینه تشکیلات اصناف و پیشه‌وران با مشکل روبرو می‌شود. تنها با مراجعه به متون ادبی،

داستان‌های عامیانه، متون صوفیه و فتوت نامه‌ها می‌توان اطلاعات اندکی در این خصوص کسب کرد. در ارتباط با علل پیدایش و چگونگی اصناف وحدت نظر چندانی وجود ندارد. برخی خاورشناسان شوروی منشأ انجمن‌های صنفی در شهرهای ایرانی را به دوره ساسانیان می‌رسانند. برخی دیگر نیز منشأ انجمن‌های صنفی اسلامی را در فرقه‌های درویشان و صوفیان یا صنف‌های غازیان می‌دانند. مثلاً ماسینیون ضمن تأکید بر نقش سنن باستانی نقش اسماعیلیان را در این خصوص مهم می‌پندارد (اشرف، بی‌تا: ۷۳). دیدگاه دیگر حاکی از این است که میراث تمدن‌های قبل از اسلام و ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران اسلامی نقش مهمی در پیدایش اصناف و انسجام تشکیلات پیشه‌وری داشته‌است. اطلاعات در خصوص اصناف و پیشه‌وران دوره سلجوقیان خیلی اندک است و اشاراتی بسیار پراکنده، منقطع و نادقیق وجود دارد که بر اساس آنها نمی‌توان داده‌های زیادی را استخراج کرد. کتاب‌های تاریخی که در این زمان به نگارش درآمده به دلیل ذات تاریخنگاری آن زمان که بیشتر سیاسی و نظامی بوده، در خصوص اصناف، تشکیلات آنها و کارکردهای اجتماعی پیشه‌وران اشارات مستقیمی ندارند و یا اشارات آنها ناچیز می‌باشد. کتابهای فتوت نامه که برای هر صنف نوشته می‌شد، هرچند درباره‌ی ابزارها، فنون، آداب و رسوم هر پیشه اطلاعاتی منعکس می‌کنند ولی در آن داده‌های اجتماعی و تاریخی زیادی وجود ندارد. با توجه به اینکه در هر عصری از تاریخ ایران اطلاعاتی در ارتباط با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عمیقی وجود ندارد به ناچار جهت روشن شدن بیشتر موضوع از منابع تاریخی و جغرافیایی قبل و بعد از این عصر نیز استفاده شده است. دلایل و شواهدی مبنی بر اینکه در ایران عصر سلجوقی

فعالیت‌های تشکیلاتی اصناف نمود داشته، وجود دارد. بر پایه‌ی استنادات تاریخی، همزمان با رشد و توسعه‌ی شهرها، بازارها نیز با تشکیلات خاص خود رونق ویژه‌ای داشته و فعالیت اهل بازار در درون تشکیلات صنفی انجام می‌شده است. شروع این امر از همان قرن اول هجری بوده و باگذشت زمان سرعت بیشتری به خود گرفته است. به‌عنوان مثال گزارش یعقوبی درباره‌ی بازار کرخ و تفکیک رسته‌ها تشکیل و تمرکز هر دسته از پیشه‌وران در بازارها و سکونت آنها در محلات و کویها و حتی کوچه‌های مخصوص به خود (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۳۱۵). می‌تواند شاهدی بر وجود تشکیلات در میان آنها باشد. گزارش نرشخی و استخری در خصوص بازارهای بخارا و سوخته شدن بازار کفش‌گران، صرافان و بزازان نشان دهنده این است که قبل از عصر سلجوقی هر صنفی راسته‌ی بازار مخصوص به خود داشته است (استخری، ۱۳۶۸: ۲۳۹ و ۷۴۵؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۳۱). گزارش واعظ بلخی از وجود کوی‌هایی همچون کوی دوک تراشان، کوی چک نویسان و کوی شکر فروشان در بلخ نشان دهنده فعالیت اصناف در این عصر می‌باشد (بلخی، ۱۳۸۹: ۴۷). در دوران ضعف و بی‌ثباتی سیاسی، نقش اصناف و تشکیلات پیشه‌وری در اداره امور شهر، جلوگیری از هرج و مرج، ایجاد امنیت و ثبات در شهر مشهود بوده است، شواهدی در این خصوص در منابع آمده است. در سال ۵۳۵ هجری قمری اهالی بخارا تحت قیادت صنعتگری به نام سنجر بر ضد ترک‌تازی و تجاوز روحانیون قیام کرده و به حمایت از سلطان سنجر پرداختند که با این کار باعث ضعف قدرتمندان فتودال و اخراج صدرها و روحانیون مخالف از شهر گردید (تاجبخش، ۱۳۳۱: ۲۰۰). یا اینکه پس از مرگ ملک‌شاه در سال ۴۸۵ هجری قمری که عیاران در بیهق فتنه برانگیخته و بی‌نظمی ایجاد کرده

بودند، سیدی از روستای مجاور با نیروهای سواره و پیاده شهر را نگهبانی می‌دادند تا هیچکس بر جان و مال مردم تعرض نکند (ابن فندق، بی تا: ۲۷۵-۲۷۴). جهت‌گیری اصناف در برخی از ماجراهای اقتصاد مثل نایاب شدن نان در غزنه (طوسی، ۱۳۷۸: ۶۲). حاکی از آن است که انجام چنین اقداماتی بدون برخورداری از تشکیلات منظم امکان‌پذیر نبوده است. علاوه بر موارد فوق روابط اصناف با فتوت و تصوف حاکی از آن است که اصناف نیز تشکیلات خاصی داشته و مناسبات خود را با اهل فتوت و تصوف از طریق همین تشکیلات برقرار می‌کردند. در کتاب آیین شهرداری مطالبی در مورد سلسله مقررات و شرح وظایف کسبه و پیشه‌وران و خرده‌فروشان و بازاریان آمده است. در کتاب یاد شده طبقات و اصناف مختلف به ۹۹ گروه تقسیم شده‌اند که این خود نشان دهنده اهمیت پیشه‌وران، ضرورت وجودی حرفه‌های آنها می‌باشد. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت که پیشه‌وران عصر سلجوقی دارای کارکرد تشکیلاتی بوده و در قالب اصناف فعالیت می‌کرده‌اند.

در خصوص تشکیلات درونی اصناف در عصر سلجوقی اطلاعات زیادی در دست نیست. گزارش ناصر خسرو از بازار قاهره و اصناف تشکیلات محترفه، اخلاق و وظایف آنها (قبادیانی، ۱۳۷۵: ۹۷-۷۷). و همچنین گزارش او در خصوص بازار اصفهان (قبادیانی، ۱۳۷۵: ۱۶۷-۱۶۶). این فرضیه را در ذهن تقویت می‌کند که تشکیلات درونی در بین اصناف وجود داشته است. به خصوص اینکه رشد تجارت و گسترش مبادلات اقتصادی بین‌المللی سبب انتقال و تبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌شده است. در سیاستنامه در دو مورد به مقام استاد شاگردی در پیشه‌ی رفوگری و درزی‌گری اشاره شده است (طوسی، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۰-۱۳). اما از دیگر

مراتب موجود در بین اهل اصناف گزارشی نداده است. ابن بطوطه در جریان سفر خود به اصفهان از تشکیلات اصناف در این شهر سخن می‌گوید: «هر دسته از پیشه‌وران اصفهان رئیس و پیشکسوتی برای خود انتخاب می‌کنند که او را کلو می‌نامند. دسته‌های دیگر هم که اهل صنعت و حرفه هستند به همین نحو رؤسایی برای خود برمی‌گزینند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۴۷). و یا در مورد بازار تبریز گفته که هر یک از پیشه‌وران بازار (راسته‌بازار) مخصوص به خود داشته‌اند و از برخی بازارهای آن همچون بازار جواهرفروشان، بازار مشک و عنبرفروشان دیدن کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۸۴). هرچند ابن بطوطه در زمان تیموریان به ایران سفر کرده اما با توجه به اینکه دگرگونی اساسی در ساختار زندگی شهری در این عصر به وجود نیامده و تداوم ساختار قبلی بوده می‌توان گفت در عصر سلجوقی تشکیلات و سلسله‌مراتبی به همین ترتیب در میان اصناف وجود داشته است. برای ارائه تصویری از سلسله مراتب درونی این عصر می‌توان به کتاب اصناف در عصر عباسی نوشته شیخلی استناد کرد. هرچند الگوی او در حوزه شهرهای غرب دنیای اسلام است.

مبانی تشکیلاتی و فکری اصناف

نخستین تشکیلات اصناف و پیشه‌وران در ایران در قالب تشکیلات گروه‌هایی مانند جوانمردان و عیاران بود. این گروه‌ها دارای تشکیلات و قوانینی بودند که از آن پیروی می‌کردند و در کنار پیشه و حرفه خود به رفع مظالم و ستم‌های موجود در جامعه و دستگیری از ضعفا و تهیدستان می‌پرداختند. همزمان با رشد شهرنشینی در بخش‌های مختلف ایران صنعت، تجارت و بازرگانی رشد یافت و در نتیجه حرفه‌ها و پیشه‌های

متعددی پدیدار شد. در این دوران نیز میان گروه‌های اصناف و پیشه‌وران به تدریج تشکیلاتی پدید آمد و گسترش یافت که شبیه تشکیلات گروه‌های عیاران بود.

رابطه‌ی اصناف با فتوت (جوانمردی)

واژه‌ی فتوت از کلمه «فتی» گرفته شده است. فتی به معنای جوان است و فعل آن «فَتَى» به معنای جوان شدن است. در جای دیگر کلمه فتی به معنای جوان نیست؛ بلکه به معنای مرد کامل، سخی، کریم و خردمند است و چند کاربرد برای این معنا برمی‌شمارند- (ابن منظور، ۴۰۸ق: ۱۸۱-۱۸۲). برخی لغت‌شناسان دیگر، ماده‌ی فتی را به معنای طراوت و تازگی می‌دانند (ابن فارس، بی‌تا: ۴۷۲). واژگانی وجود دارند که در معنای اصطلاحی خود به پیروان فتوت اشاره دارند. مانند عیار، سالوک، جوانمرد، پهلوان، اخی و رفیق. برخی از پژوهشگران فتیان را به لحاظ تشکیلات صنفی و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها با تشکیلات صنفی شهر مدائن پایتخت ساسانیان، مرتبط داشته‌اند. به‌ویژه آنکه سلمان فارسی، شخصی که سلسله روات فتیان به او ختم می‌شود، رابطه‌ی خاصی با مدائن داشته و مدفن او با نام - سلمان پاک- در این شهر از زیارتگاه‌های مورد توجه شیعیان است (تشنر، ۱۳۸۳: ۱۳۸؛ زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۸۹). با این وجود درباره تاریخ جوانمردی می‌توان از دوره‌ی ساسانیان نیز فراتر رفت. به عنوان مثال در بررسی تاریخی سمک عیار به عنوان کهنترین داستان جوانمردی، می‌توان نشانه‌هایی از دوران اشکانی یافت (بهار، ۱۳۸۵: ۱۹۵-۱۹۴). پس از ظهور اسلام، منشأ اخذ فتوت را به علی (ع) منسوب داشته‌اند. در این باب داستانی نقل کرده‌اند که آداب تشریف اعم از نوشیدن قدح و لباس آزار و بستن کمر را در برمی‌گیرد. به موجب این روایت پیغمبر (ص)، حضرت علی (ع) را فتی خواند و او را رفیق خویش نامید و آداب تشریف را در حق او به جای

آورد و پس از حضرت علی(ع) با سلمان رفیق شد(سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۳-۱۲؛ آملی، ۱۳۵۲: ۷۲؛ سهروردی، ۱۳۵۲: ۱۰۸). به هر حال سند سلسله‌ی فتوت در عصر اسلامی به امام علی(ع) می‌رسد و منظور از فتی به‌طور خاص، امیرالمؤمنین است. به طور کلی، فتوت با تصوف ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا که اصول اخلاقی و الگوهای پرهیزگاری و عفت در فتوت با تصوف زمینه‌های مشترکی داشتند. همچنین فتوت با اصناف در ارتباط بوده است. محمدجعفر محجوب می‌نویسد: «فتوت تصوفی است عوامانه و راه و رسمهای آن ساده و علمی و درخور فهم پیشه‌وران و صنعتگران و کشاورزان و خلاصه، عامه مردم است»(سبزواری، ۱۳۵۰: ۱۸). اصناف و پیشه‌وران هم از لحاظ تشکیلاتی و هم از نظر فکری با اهل فتوت در ارتباط بوده‌اند. اتصاف به ویژگی‌های جوانمردی موجب گردید تا این آیین به میان اصناف، پیشه‌ها و مشاغل نفوذ کند و هر صنفی برای خود، آداب و مرام‌نامه‌هایی داشته باشد. بسیاری از پیشه‌وران از جوانمردان بودند و در تشکیلات جوانمردان فعالیت داشتند. از نظر فکری، جوانمردی صفتی بود که اصناف و اهل حرف‌بدان منتسب بوده‌اند. از نظر طبقاتی نیز عیاران و پهلوانان دوره‌ی اسلامی و به خصوص عصر سلاجقه، غالباً از تولیدکنندگان شهری و اغلب نام صنف را به همراه خود داشته‌اند. عیاران سلسله مراتبی مانند امیر، قائد، نقیب و عریف داشتند که همین سلسله مراتب در تشکیلات اصناف و پیشه‌وران دیده می‌شد. در رسالات حسبه قرن ۶ هجری به روسای کسبه مانند عریف، امین، مقدم و نیز به اجرای فرمان محتسب از سوی محترفه، اشاره شده است(کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۳). عیاران برای پیوستن افراد به تشکیلات‌شان شیوه‌های خاص داشتند. میان این تشکیلات و تشکیلات اصناف تشابهی وجود داشت؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از پیشه‌وران و کسبه به این جنبش

پیوسته بودند. گویی فتوت یا جوانمردی نهضتی بوده است متعلق به اصناف و پیشه‌وران شهری که در آن از سایر طبقات مانند اشراف و روستاییان تنها گروهی اندک شمار حضور داشته‌اند (بهار، ۱۳۸۵: ۱۹۳؛ زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۹۸). سپاه عیاران دارای سنن نظامی خاصی بودند. این معیارها با شأن و شعارهای اخلاقی اهل فتوت مرتبط بود. آنها به جای حکومت تکالیفی را برای اصناف وضع و مالیات‌هایی را برای بازرگانان معین می‌کردند که ناچار از پرداخت آن بودند. عیاران معتقد بودند که به جای زکاتی که ثروتمندان به حکومت می‌پردازند باید پولها را در اختیار عیاران بگذارند تا آن را به کسانی که مستحق دریافتش هستند برسانند. جنبش عیاران که عمدتاً از پیشه‌وران تشکیل شده بود، طبیعی است که بر اصناف تأثیر بگذارد. در واقع می‌توان گفت که همین جنبش یکی از عوامل همبستگی اصناف بود تا از منافع آنان در برابر هرج و مرج و بی‌نظمی دفاع کند. در کهنترین فتوت نامه‌ها هم در ذکر شرایط فتیان آمده است که اخی باید صاحب صنعتی باشد. بر اساس قوانین، جوانانی که در صنفی خاص حضور داشتند، تا مهارتی کسب نمی‌کردند، امکان داشتن دکانی از آن خود را نداشتند. این اجازه با مراسم بستن لنگ صورت می‌گرفت که با توجه به دشواری و دقت مورد نیاز در هر حرفه، زمان خاصی داشت. باید اشاره کرد که همواره مشاغلی وجود داشته‌اند که شایستگی داخل شدن به حلقه‌ی فتوت را نداشته‌اند. از این میان می‌توان به صورتگران، میمون‌بازان، خرس‌بازان، پرورش‌دهندگان سگ، دلقکان، خنیاگران، رامشگران (شهرنشینانی در اسلام، ۱۳۸۳: ۱۹۴-۱۹۳)، مأموران اخذ مالیات، فالگیران، ساحران، پیشگویان، منجمان و راهزنان اشاره کرد (افشاری، ۱۳۸۴: ۶۴). در برخی از فتوت نامه‌ها درباره‌ی کسب و تجارت و آداب مربوط به آن، نکات قابل توجه آمده است. مثلاً در آداب کسب و تجارت

گفته شده است: ۱- دور نگه داشتن مال از کسب حرام ۲- کسب برای ضرورت معاش باشد نه برای جمع مال ۳- کسب را سبب روزی بدانند ۴- باکسی که مال وی حرام است معامله نکنند ۵- کسب و حرفه‌ی خود را از تقلب و غش دور بدارند ۶- اهل انصاف باشد و متاع به گرانی نفروشد (سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۶۴-۲۶۰). در عصر سلجوقی، دسته‌های مختلف جوانمردی به خصوص در بغداد و نیشابور یافت می‌شدند. این گروه‌ها به صورت جوانه‌های تازه‌ای از تشکیلات فتوت سر برآورده بودند. در کتاب قابوسنامه، آنجایی که به بحث درباره‌ی تصور ایرانیان سده‌ی پنجم ه ق از جوانمردی یا فتوت می‌پردازد، سپاهیان، عیاران و بازاریان را چهارمین و آخرین گروه از کسانی می‌داند که دارای این صلاحیت‌اند. سه گروه دیگر عبارت بودند از نخست صوفیان، دوم حکما، انبیاء و اصفیا و بالاخره روحانیون و پیشوایان. از توصیف کیکاوس چنین برمی‌آید که تشکیلات فتوت در دو خط جداگانه پیش می‌رفتند: آنانی که وظایف و تکالیفی را که بر خود تحمیل می‌کردند در یک حوزه فعال انجام می‌دادند و آنانی که جهاد را مبارزه‌ی درونی و روحانی با وساوس دنیوی می‌دانستند. در دوراهی یادشده، گرایش کلی عیاران فروغلتیدن در دسته‌های راهزن بود و هر وقت فرصت مقتضی دست میداد سلاح برمی‌گرفتند، دست به قتل و غارت می‌گشودند و در دل مردم رعب و وحشت می‌افکندند (بویل، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۱). داشتن شغل و پیشه در کنار اموری همچون وفا، گذشت و خدمت به خلق، جزء شرایط فتوت تلقی می‌شد و این امر عامل به وجود آمدن اصناف فتوت گشت. از قرن پنجم، ورود به جمع اصحاب فتوت آداب ویژه‌ای به خود گرفت و به تدریج نوشتن فتوت‌نامه همچون تدوین منشوری اخلاقی درآمد (کدکنی، ۱۳۷۴: ۱۶۱). در سلجوق‌نامه ابن‌بی‌بی آمده است: «رسم فتوت در میان طبقات پیشه‌وران و صنعتگران

و اهل حرف پیرو داشت و برای اینکه هر یک از پیشه‌ها و صنایع موافق اخلاق و آداب فتوت عمل کنند صاحبان حرف و صنایع مراغب و مطیع یکرشته مراسم و قواعد بوده- اند تا عزت و آبروی شغل خود را نبرند و از طریق فتوت و مروت پا فراتر نگذارند» (ابن- بی‌بی، ۱۳۵۰: ۹۴).

پس نتیجه می‌گیریم که فتوت در حیات شهری جوامع اسلامی تأثیرگذار بوده است. این تأثیرگذاری هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ تحولات سیاسی و اجتماعی بوده است. فتوت با ورود به عرصه‌ی بازار و اجتماع و نفوذ در طبقات پیشه‌ور توانسته است مفاهیم عرفانی را با روح زندگی شهری درآمیزد. البته در مورد شیوه‌های از فتوت که در میان اهل بازار رواج داشت نقش اوضاع سیاسی اجتماعی و وضعیت صنعت و حرفه بسیار مهم بود و هر زمانی وضعیت اقتصادی صنعتگران و پیشه‌وران رو به بهبودی می‌نهاد، جوانمردی در اهل بازار نیز زمینه بیشتری برای ظهور می‌یافت. پس ارتباط مستقیم بین حرفه و صنعت با فتوت وجود داشت؛ یعنی کسی که می‌خواست وارد صنعت و پیشه‌ای بشود باید وارد طریقت فتوت شده، ابتدا درس فتوت و سپس درس فن و حرفه را فرا می‌گرفته است. به نظر می‌رسد، آیین فتوت با رسوم خویش توانسته تشکیلات صنفی و صنعتی را نظم و نسق دهد و درجات موجود در اصناف را حفظ کند و اسرار صنعت را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. در مواقع مقتضی در تأمین امنیت حکومت نقش داشت و گاه نیز به اتکای قدرت و سازندگی که از آن برخوردار بود، در اسکان و شکل گرفتن آبادیها تأثیر داشته باشد.

رابطه‌ی اصناف با تصوف و خانقاه

از قرن سوم هجری در ایران صحبت از تصوف بود اما از قرن پنجم، این طریقت رواج بسیار یافت. در خراسان معروفترین نمایندگان و شیوخ صوفیه مانند «جوینی»، «ابوسعید مهنوی»، «شیخ ابوالحسن خرقانی» و «امام الحرمین» به تبلیغ طریقت خود دست می‌زدند. افزایش نفوذ تصوف در قرون پنجم و ششم تا اندازه‌ای، انعکاس نارضایتی توده از یوغ سنگین سلجوقیان بود و اصولاً در ایران اسلامی مخالفت با مالکان بزرگ در لفافه‌ی عرفان و عصیان‌های مسلحانه تجلی می‌کرد. مواعظ متصوفه، عامه‌ی مردم به خصوص پیشه‌وران را به خود جلب می‌نمود (فشاهی، ۱۳۵۴: ۱۱۸).

اصناف و پیشه‌وران همواره با اهل تصوف در ارتباط بوده‌اند و این ارتباط مرید و مرادی تلقی می‌شد. تعلیمات صوفیان در بین طبقات دهقانان و پیشه‌وران نفوذ داشت و حتی برخی مشایخ بزرگ صوفیه از میان همین طبقات برخاسته‌اند. خانقاه که مرکز تدریس و تبلیغ اهل تصوف به شمار می‌رفته، مورد توجه اصناف و پیشه‌وران بوده و از کمک و مساعدت آنان بی‌بهره نبوده است. بنا به برخی از روایات، خانقاه‌ها محل رفع مشکلات مسلکی و صنفی اصناف محسوب می‌گردیده و در برخی از خانقاه‌ها و زاویه‌ها، گذشته از تدریس، آموزش نظامی نیز به مدیران تعلیم داده می‌شد (کاشانی، ۱۳۳۴: ۱۰۲-۱۰۱). زاویه‌ها و لنگرها هم محل تجمع اصناف به شمار می‌آمد. نه فقط در ایران بلکه در آسیای صغیر در بسیاری از شهرها، زاویه‌های متعددی موجود بوده است. اصناف و پیشه‌وران بیشترین مدیران شیخ را تشکیل می‌دادند که در زاویه یا لنگر اقامت داشته‌اند. در زاویه‌ها مانند خانقاه‌ها نه فقط مراسم دینی بلکه مشکلات صنفی اصناف هم بررسی و حل و رفع می‌گردید. در میان صوفیان سرشناس عده‌ای هم به کسب و صنعتگری اشتغال داشتند؛ آبکشی (بایزید بسطامی)، دستفروشی (سری سقطی)، آهنگری (ابوحفص حداد)، جعفر

خدا (کفشگر)، یاسین مغربی (حجام)، صلاح‌الدین زرکوب (زرگری)، گازی (حمدون - قصار)، کتابفروشی (ابوبکروراق)، خرازی (ابوسعید خراز)، بافندگی (خیرنساچ)، قصابی (ابوالعباس آملی) و بزازی (بوحمزه بغدادی) از مشاغلی است که به عده‌ای از مشاهیر صوفیان منتسب داشته‌اند (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

در عصر سلاجقه می‌توان از ارتباط و مناسبات میان اهل تصوف و گروه‌های منسوب به آن، با اصناف و پیشه‌وران یاد کرد. گرایش‌های صوفیانه به‌عنوان یکی از گرایش‌های اصناف و پیشه‌وران، گروه‌هایی از آنها را به سوی خود می‌کشاند. به این سبب اصناف و پیشه‌وران از مریدان اهل تصوف و عرفان به شمار می‌رفتند. برای مثال می‌توان به ارتباط میان ابوسعید ابی‌الخیر ۴۴۰-۳۵۷ ه. ق. صوفی معروف با برخی از صاحبان حرف و پیشه اشاره کرد (ابن‌منور، ۱۳۶۶: ۱۳۳ و ۱۰۳ و ۹۹ و ۹۶ و ۶۸ و ۶۴). کرامات ابوسعید ابوالخیر پیروان بسیاری را از میان طبقات اداری غزنوی، اعیان شهری، بازرگانان، دکانداران، و پیشه‌وران بزرگ به سوی او کشانید. اعانات زیادی را از طبقات مختلف از جمله بازرگانان ثروتمند، دریافت می‌کرد (باسورث، ۱۳۷۸: ۱۹۳-۱۹۲). در واقع ارتباط دو سویه‌ای میان گروه‌های مختلف صوفیه و پیشه‌وران وجود داشت. گروه‌هایی از اصناف و پیشه‌وران مریدان صوفیان به شمار می‌رفتند و برای تبلیغ و گسترش آرای صوفیه بازوان قابل اعتمادی به حساب می‌آمدند. از سوی دیگر اصناف و پیشه‌وران از طریق صوفیان و مراکز تبلیغ و دعوت آنها مانند زاویه و خانقاه، به تشکیل و سازماندهی صنفی برنامه‌های خود می‌پرداختند و می‌توانستند در مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حضوری نسبتاً مؤثری داشته باشند. یکی از فرقه‌های مذهبی مهم این دوره، فرقه‌ی کرامیه بود. سده‌های چهارم و پنجم قمری اوج فعالیت و قدرت این فرقه محسوب می‌شود که در خراسان و

به ویژه نیشابور نشو و نما یافته بود. با وجود برخورداری فرقه کرامیه از ویژگی‌های تصوف، فرقه مزبور در مسائل و جریان‌های سیاسی و اجتماعی نقش مهم و مؤثری داشته است. مؤسس این فرقه محمد بن کرام سجستانی (وفات ۱۵۵ ق) است. مذهب محمد بن کرام به عنوان یکی از مذاهب مهم آن دوره، در بخش‌هایی از خراسان و ماوراءالنهر طرفداران بسیاری یافت. از جمله گروه‌های طرفدار آن را می‌توان در میان برخی از صاحبان اصناف و پیشه‌وران دید. بافندگان و دیگر صاحبان حرف در میان طرفداران این فرقه مذهبی دیده می‌شدند (باسورث، ۱۳۸۰: ۱۸۷؛ کدکنی، ۱۳۷۳: ۵۰-۲۹). میان بعضی از تشکیلات، رسوم و سنت‌های صوفیه و فتیان با تشکیلات رسوم و سنت‌های اصناف و پیشه‌وران پیوستگی و ارتباط‌هایی دیده می‌شود. افکار صوفیان بر اصناف و پیشه‌وران تأثیرات بسیار زیادی گذاشت و بسیاری از اندیشه‌های صوفیانه میان آنها رسوخ یافت. درجات شیخ، استاد و شاگرد در هر دو گروه دیده می‌شد (شیخلی، ۱۳۶۲: ۳۶). بعضی مراسم فتیان و صوفیان، مانند کمر بستن و پوشیدن سراویل به هنگام اعطای رتبه‌ی استادی، و مراسمی که به این منظور بر پا می‌گردید در میان تشکیلات اصناف و پیشه‌وران هم رواج و گسترش یافته بود. هر یک از اصناف به رسم اهل فتوت، یکی از پیامبران را واضع و مبتکر حرفه‌ی خود می‌دانستند. و خود را به او منتسب می‌داشتند، مثلاً: بافندگان (شعیب)، خیاطان (ادریس)، نجاران (نوح)، بنایان (ابراهیم)، آهنگران (داود)، رنگرزان (عیسی) و غیره (شیخلی، ۱۳۶۲: ۹۰ و ۳۶). این، بدان سبب بود که نهضت تصوف در میان عامه‌ی مردم نفوذ یافته بود و بسیاری از صاحبان اصناف و پیشه‌وران به آن پیوسته و از آن متأثر شده بودند. بنابراین با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت که اصناف و پیشه‌وران با اهل تصوف ارتباط دو سویه و تنگاتنگی داشتند. بسیاری از بزرگان

صوفیه، خود اهل صنعت و حرفه بودند، و همواره یکی از صنایع را به عنوان شغل اصلی خود می‌پذیرفتند. پس تصوف به عنوان نوعی سیستم حمایتی در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی از پیشه‌وران منظور می‌شد و باعث نوعی انسانگرایی و نوع‌دوستی مبتنی بر آموزه‌های عرفانی و آرمانی در بین پیشه‌وران گردیده است.

رابطه‌ی اصناف با اسماعیلیه

جنبش اسماعیلیه و طرفداران شیعیان هفت‌امامی با توجه به گروه‌های متعدد اصناف و پیشه‌وران قابل توجه و بررسی است. کیش اسماعیلیه در سایه‌ی ارتباطش با اصناف و حرفه توانسته بود که نفوذ شدیدی بر طبقات کارگر جامعه‌ی اسلامی در دوره‌ی سلجوقی اعمال کند و اثر ژرفی بر آنها بر جای گذارد. اثری که قرن‌ها سرکوب و فشار نتوانست آن را بزداید (ولادیمیرونا، ۱۳۷۲: ۵۰-۴۹). افکار اسماعیلی به‌ویژه در میان پیشه‌وران، بازرگانان خرده‌پا و فقرای شهری که قشرهای زیر فشار جامعه بودند، نفوذ داشت. سرکوب اسماعیلیان در ری به دست محمود غزنوی سبب شدن فعالیت آنان برای چند دهه شد. اما افکار اسماعیلی در افکار باقی ماند تا در شرایط مناسب با نیروی تازه پخش شود. هجوم سلاجقه بر ایران و تشدید تضادهای طبقاتی سبب افزایش فعالیت اسماعیلیان در بسیاری از نواحی از جمله ری شد. حسن صباح به‌عنوان نخستین مبلغ اسماعیلی، با پیشه‌وران ری و اصفهان آمد و شد داشت. نخستین مبلغ اسماعیلی که حسن صباح با او برخورد کرد پیشه‌وری به نام امیر ضراب بود. او در سفرش به مصر خود را نجار معرفی کرد. او حتی برای تبلیغات و خیزش‌های مسلحانه صنعتگران را می‌فرستاد مثلاً ابوطاهر زرگر را به سوریه فرستاد. پیوند نزدیک او با مردم تا پایان زندگی بریده نشد. هم‌زمان او داعیان بسیاری از آهنگرها، نجارها، سراج‌ها، زرگران، پشم-

ریسان، پنبه دوزان و نیز دهقانان ساده بودند. پیشه‌وران، فقرای شهری و دهقانان نیروی محرک خیزش‌های اسماعیلی بودند. آنها از درهای اسماعیلی در برابر سپاهیان دفاع می‌کردند و با تبلیغات خود زمینه را برای خیزش‌های مسلحانه آماده می‌ساختند و سپس خیزش را رهبری می‌کردند. اخبار منابع درباره‌ی انجام کارهای ساختمانی و کارهای رفاهی و آبیاری در رودبار گواه وجود پیشه‌وران با تخصص‌های گوناگون در دولت اسماعیلی است. وجود منجنیق‌های سنگ‌انداز و کاردهای تیز نشان‌دهنده‌ی وجود آهنگران ماهر میان اسماعیلیان است. خواجه نظام‌الملک طوسی هم در سیاستنامه، درباره‌ی دعوت قرمطیان و گسترش تبلیغات ایشان در میان اصناف و کسبه و پیشه‌وران خراسان مطالبی عنوان کرده است (طوسی، ۱۳۷۸: ۲۳۹). بنا به نوشته‌ی ناصر خسرو، قرمطیان در لحسا در میان پیشه‌وران نفوذ کرده بودند و از آنان پشتیبانی می‌کردند تا جایی که «هر غریب که بدان شهر افتد، و صنعتی داند، چندان که کفاف او باشد، مایه بدادندی تا او اسباب و آلتی را که در صنعت او به کار آید بخرید، به مراد خود زر ایشان همانقدر که سته بودی بازداری» (قبادیانی، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۴۸). مسلم است که قرمطیان برای جذب و متمایل کردن گروه‌های اصناف و پیشه‌وران به سوی خود به این اقدامات دست می‌زدند. روایت تاریخی موجود نشان می‌دهد گروه‌های مختلف مردمی چون پیشه‌وران، کارگران و کشاورزان به قرمطیان پیوسته بودند. بعضی از چهره‌های برجسته‌ی این جنبش مثل حسین اهوازی، همدان قرمط، پیشه‌ور یا کارگر بودند. در هر صورت قرمطیان دست به تبلیغات وسیعی زدند تا پیشه‌وران و فن‌آوران را جذب جنبش خود گردانند و آنان همچنین کوشیدند تا اصناف را به نوعی سازماندهی دهند و اندیشه‌هایی

را به این اصناف القا کنند که همگون با آرای قرمطی باشند. (شهرنشینی در اسلام، ۱۳۸۳: ۱۹۵-۱۹۴).

اخوان‌الصفاء به عنوان یک جریان فکری و اجتماعی بسیار مؤثر، عنایتی خاص و توجهی فراوان به طبقه‌ی کارگر داشتند که می‌توان آن را در رسایل آنان لمس کرد. آنان به ساده کردن علوم و در اختیار توده‌ی مردم قرار دادن علوم اهمیت ویژه‌ای دادند. از طرفی به کار و صنعتگران اهمیت زیادی می‌دادند و حتی رساله‌ی هشتم از مجموعه‌ی رسایل خود را به کار و اهمیت آن اختصاص داده بودند. مهمترین اندیشه‌های آنها عبارتند از: مقدم داشتن صنعتگران بر بقیه‌ی طبقات اجتماعی، تأکید بر اهمیت کار و تشویق آن به مردم، مذمت کسی که پیشه‌ای ندارد، کسب مهارت و محکم‌کاری در صنعت از راه‌های دینی، بزرگداشت ارزش پیشه‌ها و کارها به‌ویژه کارهای پستی که مورد نیاز مردم بود. تأکید بر نیاز صنایع به عقل و تفکر و قدرت تشخیص اخوان‌الصفاء از طریق رسالاتی که بسیار ساده بیان می‌شد، در میان مردم توزیع می‌گردید (اخوان‌الصفاء، ۱۹۵۷: ۲۹۱ و ۲۹۰ و ۲۸۸ و ۱۶۵ و ۵۷ و ۴۳). جایگاه پیشه‌وران فرودست را در نگاه مردم جامعه با مهم جلوه دادن آنها و منافع‌ی که برای مردم دارند، بالا بردند. همان‌طور که گفته شد میان تشکیلات، رسوم و سنت‌های اصناف و پیشه‌وران، از یکسو و میان تشکیلات و رسوم و سنت‌های فتیان، عیاران، صوفیان، اسماعیلیه و اخوان‌الصفاء از سوی دیگر مشابهت‌هایی وجود داشت و این حاکی از رخنه و نفوذ گروه‌های عیاران، فتیان، اسماعیلیان و اخوان‌الصفاء در میان پیشه‌وران بود که همواره گروه‌هایی از آنها را به سوی خود جلب می‌کردند.

نتیجه

میان ساختار سیاسی و اقتصادی یک جامعه ارتباط متقابلی وجود دارد. در نتیجه ثبات و امنیت سیاسی که سلاجقه بر ایران حاکم کردند، وضعیت اقتصاد و به تبع آن اصناف و پیشه‌وران بهبود یافت. اصناف و صاحبان حرف با نظم خاصی در بخش-هایی از بازار مستقر بودند. هر بخش از بازار به پیشه‌وران و فروشندگان حرفه‌ای خاص تعلق داشت. اصناف و پیشه‌وران در این عهد در قالب تشکیلات گروه‌هایی مانند جوانمران و صوفیان بودند. مناسبات اصناف و پیشه‌وران این دوره با گروه‌های اجتماعی مثل عیاران، صوفیان و اسماعیلیان صورت می‌گرفت. ارتباط فیتیان با اصناف از یک طرف سبب تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی و از طرف دیگر موجب نفوذ مفاهیم جوانمردی در حیات شهری شد. در واقع آیین فتوت با رسوم خویش توانست تشکیلات صنفی و صنعتی بازار را تنظیم نماید. همچنین ارتباط اصناف با اسماعیلیان به عنوان یک جریان فکری که توجه خاصی به طبقه کارگر و پیشه‌ور داشتند، مشهود است. جایگاهی که اسماعیلیان و بالاحص گروه اخوان‌الصفا در رسالات خود برای پیشه‌وران قائل بودند، سبب نزدیکی و مراودات دو گروه پیشه‌وران و اسماعیلیان می‌شد. گروه فکری دیگری که پیشه‌وران با آنها در ارتباط بودند، صوفیان بودند. زاویه و خانقاه صوفیان محل تجمع مردم و بالاحص اصناف بود. گرایش صوفیانه به عنوان یکی از گرایش‌های اصناف و پیشه‌وران، گروه‌های از آنها را به سوی خود می‌کشاند. ارتباط متقابل دو گروه یاد شده سبب می‌شد که پیشه‌وران در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حضوری نسبتاً موثر داشته باشند. بنابراین ارتباط دو سویه‌ای میان پیشه‌وران و جریان‌های فکری فتوت، تصوف و

اسماعیلیه در عهد سلجوقیان برقرار بوده که به تشکیلات اصناف و پیشه‌وران معنا و مفهوم خاصی بخشیده است.

منابع و مآخذ

۱. آملی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۵۲)، رساله‌ی فتوتیه (مشمول بر هفت فتوت نامه)، تصحیح مرتضی صراف، تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه و انتشارات معین.
۲. ابن فارس، احمد، (بی‌تا)، معجم مقاییس، قم: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن بی‌بی، (۱۳۵۰)، خلاصه سلجوق نامه، به کوشش محمدجوادمشکور، تهران: نشر کتاب فروشی.
۴. ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، (بی‌تا)، تاریخ بیهق، ویرایش احمد بهمنیار، مقدمه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: کتابفروشی فروغی.
۵. ابن منظور، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶. ابن منور، محمد بن ابی سعد بن طاهر بن ابی سعید میهنی، (۱۳۶۶)، اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مقدمه تصحیح محمدرضا شفعی کدکنی، تهران: آگاه.
۷. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۳۷۶)، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات آگه.
۸. اخوان‌الصفاء، (۱۹۵۷)، رسایل اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. استخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. اشرف، احمد، (بی‌تا)، نظام فتودالی یا نظام سیاسی، نقد و نظری در ویژگیهای تاریخ ایران، تهران: فردوسی.

۱۱. اشرف، احمد، (۱۳۵۳)، ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، تیرماه، تهران.
۱۲. افشاری، مهران، (۱۳۸۴)، آیین جوانمردی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۱۳. باسورث، ادmond کلیفورد و دیگران، (۱۳۸۰)، سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
۱۴. باسورث، ادmond کلیفورد، (۱۳۷۸)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
۱۵. بلخی، ابوبکر واعظ، (۱۳۸۹)، فضایل بلخ، ترجمه عبدالله حسینی بلخی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: نشر جنگل.
۱۶. بهار، مهرداد، (۱۳۸۵)، سابقه‌ی جوانمردی در ایران باستان، هانری کرین، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو.
۱۷. بویل جی. آ، (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
۱۸. تاجبخش، احمد، (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا حمله مغول، شیراز: نوید شیراز.
۱۹. تشنر، فرانتس، (۱۳۸۳)، کمان گروه فتوت، ترجمه‌ی مظفر بختیار، مجله‌ی هستی، سال چهارم، شماره ۲۳۲، تهران.
۲۰. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ترجمه مجدالدین کیوانی، مجله سخن، تهران.
۲۱. سهروردی، شهاب‌الدین عمر، (۱۳۵۲)، رسایل جوانمردان، تصحیح مرتضی صراف، تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه و انتشارات معین.

۲۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، روابط شیخ جام با کرامیان عصر خویش، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، سال ۲، شماره‌ی ۶-۸، تهران.
۲۳. شهرنشینی در اسلام، (۱۳۸۳) مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه ای توکیو ژاپن، ترجمه مهدی افشار، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۴. شیخلی، صباح ابراهیم سعید، (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه دکتر هادی عالم زاده، تهران: ستاد انقلاب فرهنگی.
۲۵. فشاهی، محمدرضا، (۱۳۵۴)، تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فتودالی ایران، تهران: کونبرگ.
۲۶. قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۵)، سفرنامه ناصر خسرو، تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.
۲۷. کاشانی، عزالدین، (۱۳۳۴)، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح جلال همایی، تهران: بی نا.
۲۸. کاشفی سبزواری، مولانا حسین واعظ، (۱۳۵۰)، فتوت نامه‌ی سلطانی، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
۲۹. کیوانی، مهدی، (۱۳۷۹)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسی بجنوردی، تهران.
۳۰. نرشنخی، ابوبکر محمد بن جعفر، (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، ترجمه‌ی ابونصر احمد بن محمد قباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: توس.
۳۱. نظام الملک، حسین بن علی، (۱۳۷۸)، سیرالملوک (سیاستنامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: علمی و فرهنگی.

۳۲. ولادیمیرونا، استروویوا لودمیلا، (۱۳۷۱)، تاریخ اسماعیلیان در ایران در سده های ۵ و ۹ هجری، ۲۲ تا ۲۳ میلادی، ترجمه‌ی پروین منزوی، تهران: نشر اشاره.

۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۴۷)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

